سال دوازدهم – شماره ۳۱۰ – شنبه ۱۷ مرداد ماه ۱۳۸۸

برگ هایی از تاریخ

جنگ ‹ میریوکفالون› و اهمیت آن در تاریخ سلجوقیان (پایان)

*** مترجم: محمد قجقی**

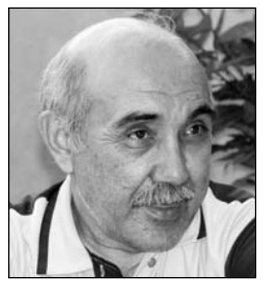

سلطان پس از تضمینی که در مورد مرزهای غربی گرفت، برای ایجاد وحدت و یکپارچگی به فعالیت پرداخت. ابتدا مناطق " دارنده "

" قیصریه" "البستان"و "زمانتی" را از "آل دانشمند" گرفت و متعاقبا آنکارا و چانکری را از دست برادرش شاهین شاه خارج نمود.

با افزایش قدرت سلطان ترکمن هایی که در اسکی شهر و اطراف آن متمرکز شده بودند، بی توجه به تفاهم نامه موجود بین قلیچ ارسلان دوم و بیزانس حملاتی علیه قلمرو آن انجام دادند.

این گروه به مناطق "دنیزلی"،"قرق آغاچ" و "ادرمیت" هجوم آوردند. این حملات تخریب هایی را به دنبال داشت و باعث وحشت و اضطراب اهالی شد.

آمانوئل که از این اقدامات ناراحت بود، برای استفاده از وجود "ذوالنون" از آل دانشمند برنامه ریزی کرد. اقدامات ترکمن ها و فعالیت های آمانوئل از نزدیکی زمان تصفیه حساب قطعی دو دولت خبر می داد. آمانوئل مکتوبی به پاپ فرستاد و متذکر شد که زمان برای آغاز یک جنگ صلیبی مناسب است و اعلام کرد راه عبور به آناتولی مجددا امن خواهد شد. البته قلیچ ارسلان خواستار تداوم معاهده ی منعقده بود، و نمی خواست صلح به هم بخورد به همین علت سفرایی را به دربار امپراتور اعزام کرد.

اما امپراتور ، برای نابود کردن سلجوقیان دست به هر اقدامی می زد. او هر چند شاهین شاه و ذوالنون را که به او پناه آورده بودند مکررا به سوی آناتولی گسیل کرد، از این اقدام نتیجه ای حاصل نشد.

آمانوئل پسر عمویش آندرونیکوس باتاتره را با یک قشون به سمت پافلاگونیا اعزام نمود ولی او شکست خورد و سرش را از دست داد. امپراتور خود با سپاه بزرگی به قصد پایتخت دولت سلجوقی یعنی قونیه به راه افتاد. در این سپاه یکصد هزار نفره علاوه بر بیزانسیان ، صرب ها،مجارها، فرانک ها و پچنک ها هم حضور داشتند. قلیچ ارسلان که از این تمهیدات امپراتور مطلع بود با رفتاری احتیاط آمیز سفرایی را اعزام نمود. اما امپراتور آن را نپذیرفت. سلطان که چاره ای جز جنگ نیافت، بخشی از سپاه را برای انجام عملیات پارتیزانی اختصاص داد. این گروه شروع به ضربه زدن به سپاه نمودند راه ها را تخریب نمودند و منابع آب را غیر قابل استفاده کردند.قلیچ ارسلان دوم در اقداماتش موفقیت به دست آورد. امپراتور را در اطراف دنیزلی در نزدیکی دریاچه ی(هوی ران) در مضیقِ تنگ و کوهستانی گرفتار کرد و در محلی به نام

(میریوکفالون) سپاه بیزانس را به تمامی نابود ساخت.(سه شنبه ۱۷ سپتامبر ۱۱۷۶ میلادی، سال ۵۷۰ه.ق) امپراتور بیزانس تقاضای صلح کرد. ارسلان دوم وارد مذاکره شد و حتی پس از فرا رسیدن شب نیز به مذاکره ادامه داد.

در پایان این ملاقات امپراتور بیزانس در ازای امضای قرارداد صلح پذیرفت استحکاماتی را که در آناتولی غربی داشت،تخریب نماید. پرداخت خسارت سنگین نظامی را بپذیرد و مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ سکه ی طلا به عنوان جبران خسارت بپردازد. بقایای سپاه بیزانس با به جا گذاشتن ۵۰۰۰ ارابه ی پر از اسلحه ملزومات ، بنه و اشیای قیمتی به عنوان غنیمت جنگی میدان را ترک نمود و عقب نشست.

سلطان قلیچ ارسلان با ارسال فتح نامه هایی به همه ی فرمانروایان جهان اسلام و در راس آنها خلیفه ی عباسی در بغداد مژده ی پیروزی خود بر بیزانس را داد. این پیروزی اثرات منفی ناشی از شکست در جنگ اول صلیبی را محو کرد، بخصوص بیزانس پس از شکست در جنگ ملازگرد و در طی یک قرن گذشته امید به باز پس گرفتن آناتولی داشت. حال آن امید کاملا و به شکل قطعی رنگ باخت. آنچه که از نظر جهان مسیحیت به عنوان اراضی اشغالی ترکان در آناتولی نامیده می شد، از این به بعد به عنوان وطن واقعی ترکان تثبیت شد و به قول احمد زکی و لیدی توغان مورخ و محقق برجسته، این جنگ حاکمیت ترکان بر اسیای صغیر را ابدی ساخت. از این به بعد بیزانس هرگز جرئت و توان حمله به ترکان را پیدا نکرد.

قلیچ ارسلان دوم، پس از جنگ میریوکفالون و با مرگ نورالدین محمود بن ذوالنون آتا بی موصل به عنوان قدرتمند ترین حامی آل دانشمند سیواس نیکسار و توقات را نیز متصرف شد. بدین ترتیب همه ی قلمرو آل دانشمند را تصاحب نمود و به عمر این امیر نشین خاتمه داد(۱۱۷۸/م)

حومه و اطراف (اولوبورلو) اسکی شهر ، و کوتاهیه نیز فتح گردیدند. بدین ترتیب مرزهای سلجوقیان به دنیزلی رسید. (۱۱۸۲/م) و قوای ترک تا "آدالار دنیزی" رسید و حدود ۷۰ قلعه را گشود. مدتی بعد از امپراتور بیزانس مجبور شد باج و خراج سالانه بپردازد. نیروهای ترک در جنوب و در کیلیکیه قلمرو شاهزادگان ارمنی را اشغال نموده به سمت سوریه و الجزایر (بخش شمالی عراق و اراضی واقع در بین رودهای دجله و فرات پیشروی کردند.

قلیچ ارسلان پس از یک دوره ی سلطنت پر زحمت و خسته کننده، قلمروش را بین پسرانش تقسیم نمود. از این به بعد رقابت پسرانش بر سر تخت و تاج آغاز شد. در اثنای این منازعات و مجادلات ، سلطان در قونیه و در نزد پسرش ملکشاه ، همانند یک گروگان زندگی می کرد.

با تصرف قدس به دست صلاح الدین ایوبی به سال ۱۱۸۶/ک جنگ صلیبی جدیدی آغاز شد. پادشاهان آلمان ، فرانسه و انگلیس ، جنگ تازه ای را آغاز کردند. قلیچ ارسلان دوم و پسرش ملکشاه برای رفع این خطر، سفرایی را گسیل داشتند. با وساطت سفیران توافقی با امپراتور آلمان به دست آمد. مقرر شد سپاه صلیبی از آناتولی عبور کرده، حق خرید ارزاق را داشته باشند. قوای صلیبی براساس این توافقنامه وارد قلمرو ترکان را در آلاشهر و دنیزلی و اولوبورلو شدند.

ترکمن های آن اهالی به کوه ها عقب نشستند و از تماس و برخورد نظامی اجتناب نمودند. اما با آنها روابط تجاری برقرار نمودند. در ضمن قسمتی از ترکمن ها اردوگاه صلیبیون را در شهر آق شهر مورد حمله قرار دادند. در همین ایام قوای صلیبی به علت کمبود ارزاق وارد شهر قونیه شد و آن شهر را تخریب نمود و به آتش کشید. سلجوقیان خواستار صلح شدند. امپراتور آلمان با اعلام اینکه هدف اصلی او " قدس " است پیشنهاد صلح را نپذیرفت . اردوی صلیبی به راه خود ادامه داد ، اما نتوانست از حملات ترکمن ها رهایی یابد.امپراتور آلمان، فردریک باربا‌روس(باربا‌روسا) در حین عبور از رودخانه ی تارسوس غرق شد.(۱۱۹۰/م)

سلطان قلیچ ارسلان ۸۰ ساله شده بود و مریض . سلطان پیر که در بین درگیرهای پسرانش بر سر تخت و تاج گرفتار آمده بود به نزد غیاث الدین کیخسرو –که ولیعهدش بود پناه برد. از این پسر حرمت و احترامی که از دیگر پسرانش ندیده بود دید. به اتفاق هم عازم قونیه شده آن را فتح کردند. بعدها برای جنگ با ملکشاه به سمت آق سرایی عزیمت کردند . در حین محاصره ی شهر، قلیچ ارسلان درگذشت.(۱۱۹۲/م) غیاث الدین کیخسرو اول به سلطنت سلجوقیان روم (آناتولی) رسید.

« منبر»

نوشته : کمال الی تمیز
ترجمه : محمد قجقی

«منبر» واژه عربی از ریشه ی «نبر»به معنای«مرتفع شدن»است و اسم آلت می باشد. «منبر»وسیله ای پله دار است که جهت خواندن خطبه های نماز جمعه بر بالای آن می روند و عموما در سمت راست محراب قرار می گیرد.

در مسجد نبوی که پیامبر(ص) در مدینه بنا نمودند، در آغاز منبری دیده نمی شد. پس از افزایش تعداد جماعت مسجد، حضرت پیامبر(ص)برای اینکه خطبه ها و تعلیماتشان به راحتی شنیده شود، در سال هفتم هجری از منبر استفاده نمودند. قبل از آن پیامبر(ص) با تکیه کردن بر کنده ی یک درخت خرما و با رفتن بر روی سکویی آجری، مردم را مورد خطاب قرار میدادند.

اولین منبر پس از مشورت پیامبر(ص)با اصحاب(رض)به دست غلام یک زن، ساخته شد.در مورد اسم نجار، روایت های متفاوتی وجود دارد. به نظر می رسد چندین تن، در امر ساخت منبر نقش داشته اند. اولین منبر از چوب درخت گز،تهیه شده از جنگلی که در ۹ کیلومتری جاده مدینه– شام واقع بود،ساخته شد. منبر متشکل از ۲ پله بود و در بالای آن جایی برای نشستن وجود داشت. منبر در مسجد مستقر شد. بار اولی که رسول الله(ص) از آن بالا رفتند، از کنده ی درخت خرمایی که حضرت پیامبر(ص) بر آن تکیه میدادند و سخن می گفتند صداهایی شنیده شد. حضرت محمد(ص)دست بر کنده ی درخت کشیدند،آن صداها قطع شد. چون این رویداد، در حضور اصحاب پیامبر(ص) اتفاق افتاد از طرف افراد زیادی روایت گردیده است. حتی احادیث مرتبط با این موضوع، به درجه ی تواتر رسیده است.

پس از رحلت پیامبر(ص)خلیفه ی اول، حضرت ابوبکر(رض) به خاطر رعایت ادب، روی دومین پله منبر و خلیفه ی دوم، حضرت عمر(رض) بر روی پله اول خطبه خواندند. حضرت عثمان (رض)بر روی پله سوم نشستند زیرا اگر می خواستند یک پله پایین بروند، لازم می آمد بر روی زمین خطبه خوانده شود.این امر مخالف سنت بود. روایت شده اولین کسی که به در منبر پرده آویخت نیز همو بوده است.

منبر حضرت پیامبر(ص)تا سال ۴۹ هجری به همان وضع بود. هنگامیکه معاویه بن ابی سفیان، به سلطنت رسید به خاطر افزایش قدرت و نفوذ سیاسی، خواستار انتقال منبر به شام شد. بنابراین به والی مدینه، مروان بن حکم نامه ای ارسال شد.

زمانی که شروع به باز کردن منبر کردند، کسوف شد. تاریک شدن افق مدینه را اشاره ای معنوی تلقی نمودند، لذا از آن اندیشه دست شستند. او با افزودن ٦ پله، تعداد پله های منبر را به ۹ رسانید.مروان به خاطر افزوده شدن تعداد جماعت دست به آن کار زد. منبر به همین وضع بود تا آنکه در سال٦٥٤ ه.ق/۱۲٥٦ /. آتش سوزی روی داد.

آخرین مسجد نبوی، که از مرمر بود– به دستور سلطان مراد سوم عثمانی، ساخته شده است. در مسجد نبوی، مسلمانان بیشترین علاقه و رغبت را به فاصله ی بین منبر و مرقد حضرت محمد(ص) نشان می دهند، چون پیامبر (ص) آن فاصله را،به عنوان «باغچه ای از بهشت» توصیف فرموده بودند . برخی روایت ها حاکی از آنند که «منبر بر روی«حوض» بوده و به عنوان یکی از درهای بهشت معرفی شده است.

«منبر»که در زمان پیامبر(ص)به عنوان کرسی«علم»دارای ویژگی اداری شده بود بعداً علاوه بر ایراد خطبه،به عنوان جایی برای بیعت گرفتن مورد استفاده قرار گرفت. رسم بالا رفتن از منبر به هنگام پذیرش مسئولیت تداوم یافت.منبر که به نماد حاکمیت تبدیل شده بود،جایی بود که والیان به هنگام قبول مسئولیت یا برکناری از مقام، به عنوان نمایندگان حکومت، بر آن جلوس می کردند.

والی ها در قرون اولیه،ایستاده و عصا به دست خطبه می خواندند.کارکرد قضایی«مسجد نیز در کنار منبر انجام می شد. فرموده ی حضرت پیامبر(ص)که در کنار منبر،دروغ گفته نمی شود و اگر کسی این کار را انجام دهد جهنمی خواهد بود، علت این امر بوده است. افراد مظنون را در کنار منبر سوگند میدادند .

پس از مسجد نبوی،اولین منبر در مصر و در مسجد«عمرو amr»نصب شد. اما چون به عملکرد اولیه حکومتی آن توجهی نشد، به دستور خلیفه دوم آن منبر را برداشتند.از سال ۱۳۲هجری به بعد با استفاده از منبر در مساجد ایالتی،کاربرد منبر در همه ی مساجد شیوع یافت.زیباترین نمونه های هنر در ساخت منابر چوبی و مرمری،پدید آمدند.قدیمی ترین منبر چوبی، منبر مسجد قیروان است. منبر مسجد حکم، طبق نوشته ی منابع بسیار ارزشمند بود. بر منبر که چرخهایی برای جابجایی داشت. قرآنی متعلق به خلیفه دوم قرار داشت. در آناتولی قدیمی ترین منبر، منبر چوبی علاءالدین در شهر قونیه می باشد. این منبر الگویی برای مساجد بعد از خود ساخته شده بود. در دوره ی عثمانی، ساخت منبرهای مرمرین شیوع داشت. منبرهای تزیین شده با اشکال موتیف های گیاهی و هندسی، در کنار تزیینات معماری داخلی مسجد و اسلوب معماری، نوعی وحدت و هماهنگی ایجاد می کرد.

در زمان ما، پله های منبرها دارای ۵،۷،۹ و یا بیشتر می باشد. امام معمولا بر روی پله ی هفتم می ایستد. اما این مسئله به بزرگی مسجد و منبر بستگی دارد.

بررسی ادبیّات تطبیقی و تحلیلی اشعار عرفانی« مختومقلی فراغی » (۳)

« هوشی یاندیرار »

تحقیق از سعیدا... کر

« یوّره گیم جوش برسه » :

« یوّرگ » : « دل » و « جوش » : « بی قراری ، شورش دلّ » . در شرح گلشن راز آمده که : « دل » ، عبارت از نفس ناطقه است ، محلّ تفصیل معانی و به معنی اسرار حق که همان « قلب » است . هر حرکت یا وقوعی در هستی این جهانی ، کشش یا جوششی دارد که عشقِ حق در کاینات پدید می آورد . این جنبش و جوشش خود مایه ی کمال است ؛ چنان که آب انگور هم می جوشد و سپس « می » می شود . در روایات آمده است : « قَلْبُ الْمُؤْمِنُ بَیْتُ الله » یعنی دل مؤمن ، خانه ی خداست . عبارت مختومقلی حاکی از آن است که در وجود وی ، عشق چو آتشی است که در دلش فروزان گشته ، براثر افروختگی و جوشش آن ، آن چه جز دوست است ؛ سوزانده و از بین برده است . چون کششی از جانب معشوق بوده که عاشق جهت وصال او کوشش ، جنبش و به جوشش در آید . بنا بر این جنب و جوشی که سراسر وجودش را فراگرفته ، ناش از « عشق » است .

گل کونگلوم گؤزله گیل عألم جاهانی
سؤیله ، نیچون بیله جوشا دؤشوّب سن ؟

ترجمه : بیا ای دل ! جهان را بنگر ؛ بر گوی که چرا این گونه به جوش آمده ای ؟

مولانا در این نکته می فرماید :

آتش عشق است کاندر نی فتاد
جوشش عشق است کاندر می فتاد

عطّار نیز می گوید :

گلستان ها ، پر خروش از من بوَد
در دل عشّاق ، جوش از من بوَد

.....

« عقل جمع بولماق » :

یعنی « حضور و جمعیّت خاطر » . این امر در عرفان بر خلاف « یل : احوال عارفانه » مذکور در بیت اوّل این شعر ، امری اکتسابی است . عارف با مراقبه بر نفس خویش و مرور تجربیّات عارفانه ، حضور قلبی و ذهنی می یابد .

در این عبارت ، مختومقلی به اصطلاح عرفانی « جمع » در مقابل « فرق » اشارت می نماید و آن ، این است که هرگاه خداوند عنایات خود را به او بنمایاند او در مقام « جمع » است ؛ الا یا ایّ حالاً ؛ وی از خداونـد می خواهد که معـرفت و فیوضات حق را در وجودش بنشاند تا شراب عشق حقیقی را بچشد ؛ امّا هر گاه خداوند او را بر طاعات و عباداتش واقف نماید او در مقام « فرق » است . حافظ :

به گوشِ هوش ، نیوش از من و به عشرت کوش
که این سخن ، سحر از هاتفم به گوش آمد

ز فکر « تفرقه » بازآی ، تا شوی « مجموع »
به حکم آنکه چو شد اهرمن ، سروش آمد

.....

« فکر باسار » :

« فکر » در اصطلاح عبارت از « اندیشه و تفکّر در خداست به واسطه ی توجّه در آثار و صنع الهی به حکم « اَلّذینَ ... وَ یَتَفَکَّرُونَ فی خَلْقِ السَّمَوات وَ الأرض » (آل عمران – ۱۹۱) . اندیشه در آیاتَ و نشانه های الهی موجب معرفت شود ؛ اندیشه در نعمت های او محبّت زاید ؛ اندیشه در وعده های او رغبت به طاعت آرد ؛ اندیشه در وعید و عقاب دوست موجب ترس از مخالفت گردد .

منظور عبارت این است که انسان هر چه قدر هم که در آیات و نعمت های خدا فکر نماید ؛ عقل غریزی به وسع و توان آن نمی رسد . خوشبختانه همین افکار ، نتیجه ی تذکّر و راهنمای سالک می باشد . به همین دلیل مشکل بارز و عمده ی دنیای معاصر این است که مردم جهان به علّت گرایش به تعلّقات دنیوی ، ضعف ایمان ، خواهش های نفسانی ، حسّ رقابت مادّی ، احتراز از قناعت و ذهنیّات منفی و عناوینی از این دست ، باعث شده که از تقرّب به حق تعالی دور بمانند .

شیخ شبستری :

تفکّر رفتن از باطل به حق است
بجز و اندر بدیدن کلّ مطلق

مختومقلی :

بیر مقاما دوش بؤلدوم ، فکر آندا فکره باتدی
جان اؤندا جاندان اؤتدی ، اشیدن گیدیپ یاتدی

یک کارشناس صنایع دستی:
سنت گرایی صرف موجب رکود هنر نمدمالی ترکمن و فراموشی آن شده است

به گزارش ایرنا "زهرا مهدی زاده" روز دوشنبه در جمع هنرمندان صنایع دستی استان افزود: به همین دلیل نیز بعد از گذشت قرن ها هنوز هم برخی هنرها سیاق قدیمی خود را حفظ نموده و با همان نقش و همان رنگ و حتی همان ابعاد مرسوم گذشته تولید می گردد. وی تصریح کرد: یکی از راه های حفظ و احیای صنایع دستی و ترویج مصرف آن در داخل و خارج از کشور، ریشه یابی علل از بین رفتن برخی هنرها و مطالعه در خصوص راه های احیای آن و توجه به نیاز و سلیقه بازار داخلی و خارجی می باشد. مهدی زاده گفت: سنت گرایی صرف و عدم توجه به نیاز قرن حاضر موجب رکود هنر و در نتیجه فراموشی آن می شود و یکی از رنج های صنایع دستی استان گلستان با وجود تنوع هنرها و حجم بالای تولیدکنندگان، سنت گرایی و اصرار در حفظ صددرصدی سبک های گذشته می باشد که باعث انباشته شدن تولیدات در انبارها و سرخوردگی هنرمندان می شود. وی یاداورشد: از نمونه هنرهای در حال منسوخ شدن این استان، نمدمالی ترکمن است که بنا به دلایل فوق متاسفانه امروزه فقط مصرف بومی داشته و همین بازار هم به مرور به دلیل زندگی شهری و تغییر در نوع زندگی از آلاچیق تا خانه های ویلایی بزرگ و آپارتمان نشینی در حال فراموشی می باشد. این کارشناس صنایع دستی با اشاره به در حال منسوخ شدن این صنایع دستی اظهارداشت: در صورت عدم توجه و دلسوزی هنرمندان و مسوولین، همین کور سو نیز تبدیل به نقطه صفری می شود که همانند سفال و شیشه جرجان نمونه های بازمانده آن را تنها می توان در موزه ها پیدا نمود.

مهدی زاده تصریح کرد: از مهمترین برنامه ها در این خصوص می توان از تغییر در اجرای نمونه ها، ترکیب بندی جدید با نقوش اصیل ترکمن، رنگ بندی جدید و ترکیب موی شتر با پشم در اجرای نمد نام برد. به گفته وی در نمونه های بعدی در نظر است تا ابعاد نمد، ضخامت آن و استفاده از ترکیب های تک رنگ در نمد اعمال گردد.

گشت و گذار

۳۰ تا ۵۰ میلیون تومان کمک بلاعوض برای شکل گیری فضای مراکز قرآنی

طاهر جانی: خبرنگار صحرا

در آموزه های دینی ما از جوانی به عنوان بهار زندگی یاد شده است.بهار فصل طراوت،رویش،کوشش و فصل پوشش است و باطراوت ترین ایام عمر بشمار می رود.

غلامرضا منتظری مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در نشست مطبوعاتی برنامه های ترویج و توسعه فعالیتهای قرآنی استان ضمن بیان این مطالب،هدف از نشست مذکور بحث و گفتگو پیرامون برنامه های قرآنی در ماه های مبارک شعبان و رمضان ذکر کرد و گفت:از جمله برنامه هایی که استان گلستان پیشگام آن بود افتتاح مرکز توسعه و ترویج فعالیتهای قرآنی است و امیدواریم بزودی شاهد فعالیت جدی و بانشاط این مرکز باشیم.

مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد، تلاش و کوشش در جهت فرهنگ قرآن،بسط و گسترش مراکز و مؤسسات قرآنی،ارائه خدمات و تسهیلات برای علاقمندان حوزه قرآن شامل کمک بلاعوض تا سقف ۳۰ تا ۵۰ میلیون تومان برای شکل گیری فضای مراکز قرآنی، تقویت و گسترش هنر دینی و ساماندهی فعالیتهای قرآنی را از اهداف مرکز توسعه برشمرد و افزود: همزمان با ایام ولادت امام زمان(عج)فعالیت جدیدی را با عنوان کرسی تلاوت نور در استان با حضور قاریان برجسته کشوری و استانی خواهیم داشت که کاری متفاوت است و بناست هر ۴۵ روز یکبار در طول همه ایام سال برگزار گردد.

منتظری همایش مدیران و مؤسسان مرکز استانی قرآن را از دیگر برنامه های ماه شعبان دانست و ادامه داد:بدست آوردن تصویری روشن و واقعی از ظرفیت مؤسسات قرآنی است،معرفی خدمات و تسهیلاتی که دستگاههای مختلف فرهنگی می توانند به این مؤسسات بدهند،آشنایی با سطح فعالیتهای مؤسسات استانی از نظر کمی و کیفیتی و رصد کردن مشکلات، تقویت پیوند عاطفی این مجموعه از جمله اهداف می باشند.

مدیر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش بعد گفت: همچنین قرار است در این ماه محفل با شکوه حافظان و قاریان قرآن کریم،استان در اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی علی آباد کتول برگزار شود.

منتظری در پایان اولین نمایشگاه نماز و نیایش به روایت تصویر و برگزاری محفل و مجلس ویژه تحت عنوان آواها و نغمه های آسمانی را از جمله برنامه های ماه مبارک رمضان ذکر کرده و نوید برنامه های متنوعی را برای آن ایام داد.

پس از سخنرانی مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ،سید ابوالفضل حکیمی رئیس دفتر ترویج و فعالیتهای استانی قرآن توضیحات کوتاهی را ارائه نمود.

جذب هیات علمی در واحدها و مراکز دانشگاه آزاد اسلامی استان گلستان

واحدها و مراکز آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی استان گلستان برای تکمیل کادر هیات علمی خود هیات علمی تمام وقت استخدام می کنند. دکتر رضا علی محسنی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی گرگان و رئیس هیات اجرایی جذب استان گلستان گفت:هیات اجرایی جذب هیات علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در استان گلستان از ابتدای امسال فعالیت خود را آغاز و دبیرخانه هیات مذکور پس از تعیین نیاز واحدهای استان گلستان برای جذب هیات علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان اقدامات لازم را با تشکیل کارگروههای مربوطه به انجام می رساند.

دکتر محسنی گفت: علاقه مندان برای کسب اطلاعات بیشتر از لیست رشته های مورد نیاز و شرایط استخدام به پایگاه اطلاع رسانی دانشگاه آزاد اسلامی گرگان به نشانی اینترنتی www.gorganiau.ir و پایگاه اطلاع رسانی دفتر استخدام هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی به نشانی: www.ebo.iau.ir مراجعه کنند.

۹ اثر تاریخی و فرهنگی شهر گمیشان در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید

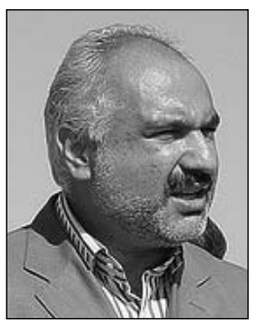

رییس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان گفت: ۹ اثر ارزشمند تاریخی و فرهنگی واقع در بافت قدیم شهر گمش تپه (گمیشان) در این استان پس از طی مراحل و تشریفات قانونی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید.

فریدون فعالی افزود: با توجه به این که بافت قدیم گمش تپه مجموعه ای از عناصر شهری است که براساس نیازهای اجتماعی و منطبق با اقلیم منطقه به وجود آمده،این بافت با وسعت بیش از۳۵ هکتار،بعد از گرگان دومین شهری است که در استان گلستان دارای بافت ارشمند می باشد. وی تصریح کرد: ابنیه زیبا در بافت قدیم گمش تپه ادامه نوع معماری در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی اول است و در فرم کلی خود بیشتر تحت تاثیر عوامل جغرافیایی منطقه و با توجه به نزدیکی دریا و بالا بودن سطح آب های زیرزمینی با افزایش میزان بارش های جوی و نزدیکی به مناطق جنگلی شکل گرفته اند. وی افزود: این مسایل از جمله عوامل محیطی است که به نوعی، معماری بافت قدیم گمش تپه را تحت تاثیر قرار داده است. وی یادآور شد: خانه سید محمدی، مهمیانی،طالبی ، سعدی نژاد، خالد اتاجانی، گوکلانی، حاجی محمد خوزینی، عراز محمد خوزینی و خانه مصطفایی از بناهای ثبت شده گمش تپه در اثار ملی کشور در سال ۸۷ می باشند.

مفقودی

دفترچه کشاورزی به شماره ۲۱۴ صادره از بناور متعلق به آشور محمد اسلامی فرزند حاجی نوری مفقود گردیده، از درجه اعتبار ساقط می باشد.